

نقد و بررسی روایات تفسیری در حوزه تاریخ‌گذاری آیه ۸۵ سوره قصص

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۵

محمد علی مهدوی راد^۱
امیر احمد نژاد^۲
زهرا کلباسی^۳

چکیده

سوره قصص، به اتفاق آرای مفسران، در سال‌های میانی حضور پیامبر ﷺ در مکه به طور پیوسته نزول یافته است؛ اما برخی با تکیه بر اسباب نزول و روایات تفسیری، تاریخ‌گذاری آیه ۸۵ این سوره را به آستانه هجرت، زمانی که پیامبر در ححفه (سرزمینی میان مکه و مدینه) دلتنگ مکه بود، رسانده‌اند که طبق آن خداوند وعده بازگشت به مکه را به پیامبرش داده است. این درحالی است که روایات اسباب نزول تنها در منابع متأخره صورت موقوف نقل شده و با انبوهی از روایات تفسیری ذیل این آیه در تعارض است. در مقابل قرآینی همچون امتداد آیه ۸۵ - که خطاب به مشرکان اتمام حجت نموده - سیاق پیوسته این آیه با آیات همجوارش که دربرای تأکید بر وقوع قیامت نازل شده و روایات تفسیری متعددی که مراد از عبارت «لَرَأُذُکَ اِلٰی مَعَادٍ» را بازگشت به سرای آخرت (بهشت) معنا کرده، تاریخ‌گذاری مکی این آیه در سال‌های میانی بعثت و در نتیجه، نزول پیوسته آن همراه با دیگر آیات سوره قصص قابل اثبات است. **کلیدواژه‌ها:** سوره قصص، لَرَأُذُکَ اِلٰی مَعَادٍ، هجرت، نزول پیوسته، تاریخ‌گذاری.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پردیس فارابی تهران. mahdavidrad@isca.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول): amirahmadnezhad@outlook.com

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان: zahrakalbasi@gmail.com

۱. مقدمه

سوره قصص بنا بر اتفاق همه روایات ترتیب نزول و سپس اقوال مفسران، سوره‌ای مکی است که برحسب جایگاه آن در جداول ترتیب نزول، در سال‌های میانی دعوت پیامبر در این شهر نازل شده است؛ اما در مورد زمان نزول برخی از آیات آن به ویژه آیه ۸۵ این سوره مناقشه‌های جدی پدید آمده است.

خداوند در این آیه به پیامبر وعده داده، همان‌گونه که قرآن را براونازل نمود، وی را به جایگاه اصلی‌اش بازگرداند. برخی زمان نزول این آیه را، هم‌زمان با سایر آیات سوره، در سال‌های میانی مکه دانسته و برخی زمان نزول آن را در پایان دوران مکه در مکانی به نام جُحْفَه - که در راه مدینه بوده - توصیف نموده‌اند و حتی به دنبال سبب نزول آن در خارج از شهر مکه، آن را آیه‌ای مستثنا تلقی کردند. مفسران باورمند به هر یک از این دو دیدگاه، به طور پراکنده دلایلی برای تثبیت نظریه خود بیان کرده‌اند؛ هرچند عموماً از پاسخ به اشکالات دیدگاه خود صرف نظر نمودند.

دیدگاه نخست، برخلاف شأن نزول مشهور ذیل این آیه بوده و دیدگاه دوم ارتباط معنایی خود را با سیاق آیات هم‌جوار و حتی قسمت دوم آیه ۸۵ از دست داده است. از این رو، این مقاله بر آن شده تا ابتدا با سامان‌دهی به احتمالات مختلفی که مفسران ذیل این آیه بیان کرده‌اند، دیدگاه‌های آنان را در قالب نظریه مطرح سازد. سپس به نقد و بررسی هر یک از نظریات پردازد و در وهله سوم دیدگاه مختار را تقویت نماید.

۲. مروری بر سوره قصص

سوره قصص چهل و نهمین سوره در ترتیب نزول است که بعد از سوره نمل در مکه نازل گردیده است.^۴ از سیاق آن هویداست که مسلمانان تحت شکنجه و عذاب مشرکان بودند. از این رو به نظر می‌رسد هدف از نزول این سوره تسلی به پیامبر و مؤمنان بوده تا بدانند آنان نیز همچون حضرت موسی و امتش - که شدیدترین فشارها را از سوی فرعون تحمل می‌نمودند - پیروزی خواهند شد.^۵ بدین ترتیب، محتوای سوره قصص را می‌توان چهاربخش نمود: بخش نخست، دربرگیرنده ۴۶ آیه اول این سوره است که داستان حضرت موسی را از بدو تولد در جامعه خشونت زده مصر آغاز کرده و با فرار او از مصر، سفرش به مدین، دریافت

۴. مجمع‌البیان، ج ۱۰، ص ۶۱۲-۶۱۳.

۵. احسن‌الحدیث، ج ۸، ص ۳-۴.

نخستین وحی، بازگشت به مصر و آغاز رسالت، چندین مواجهه با فرعون ادامه داده و در نهایت با توصیف عذاب سنگین فرعون و سپاهیانش به سبب تکبر در آیات الهی خاتمه داده است.

بخش دوم، به تقاضای مشرکان مبنی بر نزول کتاب آسمانی همچون عهدین اشاره کرده و سپس آنان را به سبب عدم ایمان به این کتب مذمت نموده است. در مقابل، برخی از اهل کتاب را به سبب ایمان گذشته به کتب آسمانی و ایمان فعلی به قرآن با بهترین عبارات ممکن ستوده است. در ادامه، تهدید به نزول عذاب را برای مشرکان آغاز کرده و صحنه‌هایی هولناک از محاکمه مشرکان در قیامت را به تفصیل بازگو نموده است.

سومین بخش این سوره به داستان قارون اختصاص یافته که باز در عصر حضرت موسی واقع شده است. قارون ثروتمندی با شکوه است که قیامت را انکار کرده و جاذبه‌های دنیوی‌اش برخی سست ایمانان را لرزانده، لیکن خداوند با عذابی بی سابقه صحت گفتار عالمان به حقانیت جهان هستی را آشکار ساخته است.

آخرین مقطع سوره قصص آشکارا به تأکید بر وقوع قیامت و جزای هدایت شدگان و گمراهان پرداخته و در همین سیاق به پیامبر نیز وعده بازگشت به «معاد» را داده است. سپس برای تثبیت قلب پیامبرش ابتدا به نعمت نزول قرآن بر او - که هیچ‌گاه انتظار نداشت محقق شود - تصریح نموده و سپس وی را از هرگونه تمایل به مشرکان و اعراض از آیات وحی بازداشته است. در نهایت، آخرین آیه این سوره نیز با تأکید بر آن که بقا مختص ذات باری تعالی است و همه کس به سوی محکمه عدل او باز خواهد گشت، به پایان رسیده است.

چنان‌که هویدا است تمام این سوره بر دو بخش کلیدی تأکید نموده است:

نخست، داستان مفصلی از ابتدای حیات حضرت موسی در سخت‌ترین شرایط ممکن تا پیروزی او بر حاکم ظالمی که نه تنها اعتقادی به معاد نداشت، بلکه خود را خدای مردمان مصر می‌نامید و آنان را به ذلت تمام کشانده بود. موسی کلیم الله در چنین جامعه‌ای برخاست و با استقامت و اتکا به یارانی که از ضعیف‌ترین اقشار جامعه به شمار می‌رفتند، در کمال ناباوری بر سختی‌ها و شکنجه‌ها فائق آمد و فرعون را نابود ساخت. از این رو خداوند به پیامبرش نیز وعده پیروزی بر مشرکان ثروتمند مکه را - که همچون فراغنه مصر مسلمانان را تحت فشار نهادند - داده است.

بخش دوم سوره نیز به تفصیل، به مقوله انکار معاد که یکی از مهم‌ترین دستاویز مشرکان در عدم پذیرش اسلام و سرکوب مسلمانان است پرداخته و ضمن انذار مشرکان و توصیف

محاكمه آنان در قیامت، بر تحقق حتمی آن برای پیامبرش نیز تأکید نموده است.

۳. تبیین آیه ۸۵ سوره قصص

﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾.

خداوند در آیه ۸۵ سوره قصص خود را با وصف کسی که قرآن را علی رغم انتظار و باور پیامبر بر او نازل کرده، خواننده و به حضرتش وعده داده که بعد از این نیز او را به جایگاهش باز خواهد گردانید. سپس به رسولش فرمان داده تا به مشرکان بگوید: پروردگار من به کسانی که اهل هدایت هستند و به کسانی که در گمراهی آشکار سومی کنند، آگاه و دانا است.

این آیه چنان که از صراحت الفاظش هویداست، برای تثبیت قلب پیامبر با بیان بزرگترین معجزه رخ داده در زندگی او است و از طرفی در صدد انداز مشرکان و امید به مؤمنان است. از یادآوری نعمت بزرگ نزول قرآن به پیامبر برای وعده به فرارسیدن یاری خداوند به حضرتش می توان استنباط نمود که پیامبر تحت فشارهای سنگینی قرار گرفته که این گونه نیازمند دلداری و تثبیت قلب است. از دیگر سو، مشرکان چنان وی را انکار می نمایند که تحقق وحی الهی در خصوص باور به معاد شبیه به معجزه‌ای دیگر است.

این مدعا را از آیاتی که در ادامه این آیه قرار گرفته به وضوح بیشتری می توان احساس کرد؛ چنان که خداوند در آیه ۸۶ به پیامبرش یادآوری می کند که انتظار نزول قرآن را نداشت، اما این رحمت خداوند بود که بر او سرازیر شد؛ پس مبادا که یاور کافران باشد. در آیه ۸۷ باز خطاب به پیامبرش فرموده: مبادا مشرکان وی را پس از نزول قرآن، از (باور به) وحی الهی باز دارند. سپس در ادامه از پیامبر خواسته تا همچنان مردم را به سوی پروردگارش فرابخواند و از مشرکین نباشد.

در آیه ۸۸ باز هم خطاب های عتاب آمیز به پیامبر ادامه یافته و خداوند از رسولش خواسته تا مبادا به شیوه مشرکان خدای دیگری را با خدای یگانه عبادت نماید و بداند که همه چیز جز ذات هستی نابود می شود و خداوند در حالیکه همگان به سوی او باز می گردند، برای آنان داوری می نماید

﴿وَمَا كُنْتُمْ تَرْجُوا أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكُمُ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَاهِرًا لِلْكَافِرِينَ * وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنْزَلْتُ إِلَيْكَ وَأَدْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ * وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾.

نزول این آیات - که با تثبیت قلب پیامبر آغاز شده، با دستور به ادامه رسالت و استواری در نبوت ادامه یافته و به هشدار و عتاب ختم شده - به وضوح نشان‌گر فشار سنگین مشرکان بر پیامبر است که او و یارانش را شکننده نموده است؛ تا جایی که لازم شده خداوند وقوع قیامت و دادرسی را برای پیامبرش تأکید نماید و او را در اجرای رسالت پایدار نماید.

۴. اقوال مطرح شده در خصوص معنای «معاد» در (لرآدک الی معاد)

آنچه ذیل آیه ۸۵ سوره قصص قابل توجه است، اقوال متعدد برای مرجع «معاد» در عبارت «لَرَادَكِ إِلَى مَعَادٍ» است؛ به گونه‌ای که وجه مشترک بسیاری از مفسران ذیل این آیه، بازگو کردن همه اقوال بدون نقد و بررسی آن‌ها است. برخی از آنان بدون هیچ داوری تنها مبتنی این اقوال بوده‌اند^۶ و برخی یک قول را ترجیح داده و مابقی را در ادامه نقل کرده‌اند.^۷ در نهایت، معدود مفسرانی نیز بوده‌اند که یا تنها به ذکر یک نظریه پرداخته و آیه را طبق آن تفسیر کرده‌اند^۸ و یا ضمن بیان همه اقوال از یک نظریه به طور محسوس دفاع کردند.^۹ با این توضیح، اقوال مطرح شده درباره معاد را در پنج دسته می‌توان جای داد:

نخست، معاد به معنای مرگ است. به این معنا که خداوند به پیامبر وعده می‌دهد همان گونه که قرآن را بروی نازل کرده، او را به سوی مرگ بازمی‌گرداند.

دوم، معاد به معنای قیامت است. خداوند وعده می‌دهد که پیامبرش را به سوی قیامت بازخواهد گرداند.

سوم، معاد به معنای بهشت است. خداوند وعده می‌دهد که پیامبرش را به بهشت بازمی‌گرداند.

چهارم، معاد به معنای مکه است. خداوند وعده می‌دهد که پیامبرش را به مکه برمی‌گرداند.

پنجم، معاد به معنای بیت المقدس است. خداوند وعده می‌دهد که پیامبرش را به بیت

۶. بحر العلوم، ج ۲، ص ۶۲۲؛ تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، ج ۹، ص ۳۰۲۵ - ۳۰۲۷؛ انوار التنزیل، ج ۴، ص ۱۸۷.
۷. جامع البیان، ج ۲۰، ص ۷۹ - ۸۱؛ الکشاف، ج ۳، ص ۴۳۶؛ البحر المحیط، ج ۸، ص ۳۳۱؛ الالاساس فی التفسیر، ج ۷، ص ۴۱۱۵ - ۴۱۱۶.

۸. تفسیر مقاتل، ج ۳، ص ۳۵۹؛ معانی القرآن، ج ۲، ص ۳۱۳؛ فی ظلال القرآن، ج ۵، ص ۲۷۱۴ - ۲۷۱۵؛ تفسیر الکشاف، ج ۶، ص ۹۰.

۹. المیزان، ج ۱۶، ص ۱۲۸ - ۱۳۰؛ تفسیر الحدیث، ج ۳، ص ۳۴۶ - ۳۴۷.

المقدس بازمی گردانند.^{۱۰}

در خصوص نظریه اخیر، برخی بیت المقدس را از آن روکه مکان محشور شدن عالمیان در روز رستاخیز است، مرجع معاد دانسته و برخی از آن روکه مکان عروج پیامبر به معراج بوده است. از این رو، طبق دیدگاه نخست، بیت المقدس به قول دوم - که معاد همان قیامت است - نزدیک شده و طبق دیدگاه دوم، پیامبر به سبب آن که آرزوی دوباره معراج را داشته به عروجی دوباره وعده داده شده است. آکوسی در حالی این احتمالات را از سوی افراد ناشناسی مطرح کرده که خود این قول را کاملاً توجیه‌گرانه و فاقد اعتبار دانسته است.^{۱۱} سعید حوی نیز بیت المقدس را مکان آخرت معرفی کرده است.^{۱۲}

از دیگر سو، سه نظریه نخست، به وضوح پیوندهای معنایی نزدیکی با هم دارند؛ بدین گونه که مرگ، قیامت و بهشت - که به عنوان جایگاه پیامبر در قیامت مطرح شده - هر سه مراحل پیوسته یک مقطع معین است. در نتیجه وجه مشترک هر سه قول آن است که «معاد» در آیه ۸۵ را به بازگشت به سرای آخرت معنا کرده است.

در نتیجه از پنج قول مطرح شده درباره «معاد» در آیه ۸۵ سوره قصص، می‌توان سه نظریه ارائه کرد:

نخست، بازگشت معاد به سرای آخرت (مرگ، قیامت، بهشت، بیت المقدس به عنوان جایگاه قیامت)؛ دوم، بازگشت معاد به مکه و سوم، بازگشت معاد به بیت المقدس به عنوان مکان معراج.

۵. روایات تفسیری درباره مرجع معاد در آیه ۸۵ سوره قصص

مفسران همه اقوال مطرح شده در بخش پیشین را به روایات تفسیری از صحابه و تابعین مستند ساخته‌اند که برخی به مواردی از آن‌ها و برخی به همه این روایات استناد نموده‌اند؛ اما پراکندگی این روایات تفسیری از یک سو و روایات مختلفی که اقوال متعارض را به یک راوی نسبت داده از سوی دیگر موجب سردرگمی شده است. از این رو، در ادامه این روایات در قالب جدول دسته‌بندی شده و هم‌پوشانی یا تعارض اقوال هر راوی نشان داده شده است.

۱۰. به عنوان نمونه رک: جامع البیان، ج ۲۰، ص ۷۹-۸۱؛ تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، ج ۹، ص ۳۰۲۵-۳۰۲۷؛

مفاتیح الغیب، ج ۲۵، ص ۱۹-۲۰.

۱۱. روح المعانی، ج ۱۰، ص ۳۳۴.

۱۲. الأساس فی التفسیر، ج ۷، ص ۴۱۱۸.

برای تهیه این جدول از تفسیر روایی الدر المنثور سیوطی - که همه اقوال را به طور کامل و دقیق گزارش کرده - استفاده شده است.^{۱۳} قابل ذکر است که مقصود از روایت تفسیری یا روایات سبب نزول در این مقاله، منقولات تفسیری است که از صحابه و یا تابعین کبار به عنوان معنای «معاد» در آیه ۸۵ سوره قصص نقل گردیده است. از این رو، در پژوهش حاضر روایتی که به معصوم منتهی گردد با قرآینی اهمیت و اعتبار روایی آن نشان داده خواهد شد.

جدول روایات سبب نزول آیه ۸۵ سوره قصص بر پایه تفسیر الدر المنثور سیوطی

شماره	راوی	نقل از معصوم	مرجع معاد	تعیین محل نزول آیه	روایات متضاد راوی	روایات همخوان راوی
۱	ضحاک	----	مکه	جحفه		*
۲	حسین بن واقد	----	مکه	جحفه		
۳	ابن عباس	----	مکه	----	*	
۴	مجاهد	----	مکه	----	*	
۵	ضحاک	----	مکه	----		*
۶	ابن عباس	----	موت	----	*	
۷	ابوسعید خدری	----	موت	----		
۸	ابن عباس	----	روز قیامت	----		* (موافق با موت)
۹	عکرمه	----	روز قیامت	----		
۱۰	مجاهد	----	روز قیامت	----	*	
۱۱	حسن	----	بهشت	----		
۱۲	امام علی پیامبر	----	بهشت	----		
۱۳	ابوسعید	----	بهشت که همان قیامت	----		*

۱۳. الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۳۹-۱۴۰.

شماره	راوی	نقل از معصوم	مرجع معاد	تعیین محل نزول آیه	روایات متضاد راوی	روایات همخوان راوی
	خدری		پیامبر است.			
۱۴	ابن عباس	----	بهشت	----		* (موافق با موت و قیامت)
۱۵	ابن عباس	----	بهشت	----		*
۱۶	ابی صالح	----	بهشت	----		
۱۷	نعیم القاری	----	بیت المقدس	----		
۱۸	قتاده	----	این از مواردی است که ابن عباس معنایش را پنهان کرد.	----		
۱۹	ابوسعید خدری	----	موت	-----		*

از مجموع روایاتی که در این جدول ذکر شد نکاتی را می‌توان استنباط کرد:

۱. تنها روایتی که در این مجموعه از معصوم نقل شده و به معصوم متصل گردیده، روایت امام علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله است که معاد را به بهشت معنا کرده‌اند که البته این معنا چنان‌که در ادامه خواهد آمد، با سیاق آیه همراه است.
۲. جز روایات ابن عباس و ابوسعید خدری، دیگر موارد، اجتهادات تابعین ذیل این آیه است که به نسبت اقوال صحابه از اعتبار کمتری برخوردار است.
۳. ابوسعید خدری در روایت هماهنگ دارد که معاد را به قیامت و بهشت معنا کرده است.
۴. ابن عباس شش روایت دارد که در یکی معاد را مکه دانسته، در چهار مورد معاد را مرگ، قیامت و بهشت معرفی کرده و در آخری نیز قتاده درباره دیدگاه او گفته که این مورد را مکتوم نگاه داشت. در نتیجه به نظر می‌رسد یا دیدگاه ابن عباس ذیل این آیه را به سبب تشکیک باید نادیده گرفت و یا چهار روایت او که معاد را به سرای آخرت معنا کرده را به سبب کثرت پذیرفت.

۵. به سبب تناقض روایات تفسیری درباره مرجع «معاد»، می‌توان حکم به بی‌اعتباری همه آن‌ها داد و آیه را بدون این قرینه بیرونی و با تکیه بر سیاق درونی خودش معنا نمود.

۶. دیدگاه‌ها پیرامون تاریخ‌گذاری آیه ۸۵ سوره قصص

برای تاریخ‌گذاری آیه ۸۵ سوره قصص، اقوال پیش‌تر مطرح شده در خصوص مرجع واژه «معاد» را جدا از تقسیم سه‌گانه‌ای که برحسب مکان نزول آیه مطرح شد، می‌توان به سه دسته کلی براساس معیار زمان و مکان نزول آیه تقسیم نمود:

نخست، اقوالی که این واژه را به معانی موت، قیامت، جنت و حتی بیت المقدس گرفته و آیه مذکور را همچون آیات هم‌جوارش در سیاق آیات معاد معنا کرده و مکی بودن آیه ۸۵ و نزولش همراه با سایر آیات سوره قصص را تأیید کرده است. در این دیدگاه برحسب آن‌که سوره قصص در میانه فهرست سور مکی در روایات ترتیب نزول قرار گرفته،^{۱۴} تخمین زده می‌شود که تمام این سوره به طور پیوسته در سال‌های ششم تا دهم بعثت نازل شده باشد.

دوم نظری که معاد را به معنای مکه دانسته و بر نزول آن در جحفه تأکید کرده و بدین سان این آیه را مدنی و در زمره مستثنیات و یا یک نمونه ویژه که نه به حیث زمان و مکان نه مکی و نه مدنی محسوب نمی‌شود، به شمار آورده است. در این نظریه سوره قصص در سال‌های میانی بعثت نازل شده جز آیه ۸۵ این سوره که جدا از سایر آیات در راه هجرت پیامبر فرود آمده است. برحسب آن‌که پیامبر در ماه ربیع‌الاول سال چهاردهم بعثت هجرت کرده، نزول آیه ۸۵ سوره قصص به اوایل سال چهاردهم بعثت می‌رسد.

سوم نظری که بازگشت معاد به مکه را پذیرفته، اما در مدنی بودن این آیه تشکیک وارد کرده است. به دیگر عبارت، در این نظریه آیه ۸۵ در زمره اخبار غیبی به شمار می‌آید؛ زیرا زمانی که پیامبر تحت آزار مشرکان است، به او خبر می‌دهد که به مکه باز خواهد گشت تا پیامبر بداند هجرتی در پیش دارد که بعدها به بازگشت دوباره او منجر می‌شود. در این نظریه، همچون نظریه نخست، همه سوره قصص به طور پیوسته در سال‌های میانی بعثت (ششم تا دهم) نازل شده است.

در ادامه، هر سه دیدگاه همراه با قراین مؤید خود به تفصیل مطرح شده و سپس مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۱۴. مجمع‌البیان، ج ۱۰، ص ۶۱۲-۶۱۳؛ مفاتیح‌الاسرار، ج ۱، ص ۹.

۶-۱. نزول آیه در سال‌های میانی دعوت مکه

نخستین دیدگاه درباره تاریخ‌گذاری آیه ۸۵ سوره قصص آن است که این آیه همراه با دیگر آیات سوره در سال‌های میانی حضور پیامبر در مکه نازل شده و خداوند وعده بازگشت پیامبر به سرای آخرت (موت، قیامت، بهشت) را به وی داده است.^{۱۵}

برخی مفسران نیز قول راجح را بازگشت معاد به سرای آخرت دانسته‌اند؛ هرچند قول بازگشت معاد به مکه را هم مطرح کرده و آن را بدون اشکال دیده‌اند.^{۱۶} فخر رازی ابتدا بر بازگشت معاد به آخرت اصرار ورزیده و این قول را منطبق با سیاق دانسته، اما در ادامه دیدگاهش دچار تحول شده و بازگشت معاد را به مکه معنا کرده است.^{۱۷} در مجموع، از اقوال مفسران پیرو این دیدگاه می‌توان قراین ذیل را تأیید این تاریخ‌گذاری اقامه کرد:

۶-۱-۱. قراین تاریخ‌گذاری نزول آیه در سال‌های میانی مکه

۶-۱-۱-۱. پیوند آیه ۸۵ با سیاق آیات همجوار

مفسران متعددی به ارتباط میان آیات ۵۸-۸۸ سوره قصص - که پایان این سوره است - توجه داشته و این چند فقره را به سبب سیاق واحد در کنار هم ذکر کرده و معنا نموده‌اند؛^{۱۸} اما فارغ از این مفسران عده‌ای نیز با وضوح بیشتر به تبیین سیاق این آیات پرداخته و پیوستگی معنایی آن‌ها را نشان داده‌اند.

چنان‌که دروزه فضای نزول این آیات را زمانی دانسته که مشرکان سرسختانه از اسلام سرباز می‌زدند و پیامبر به سبب علاقه شدید به هدایت آنان به عقب‌نشینی برای جذب ایشان متمایل شده بود. از این رو این چهار آیه نازل شده و خداوند پیامبرش را به صبر و عدم عقب‌نشینی از دعوت الهی خود نه در قول و نه در عمل فراخوانده است.^{۱۹}

محمد حسین فضل الله نزول آیات پایانی سوره قصص را - که آیه ۸۵ در میان آن‌هاست -

۱۵. التبیان، ج ۸، ص ۱۸۳؛ جواهر الحسان، ج ۴، ص ۲۸۶؛ الصافی، ج ۴، ص ۱۰۷؛ تفسیر الحدیث، ج ۳، ص ۳۴۷-۳۴۸؛ محاسن التأویل، ج ۷، ص ۵۴۱.

۱۶. المحرر الوجیز، ج ۴، ص ۳۰۳ و ج ۴، ص ۱۸۷؛ البحر المحیط، ج ۸، ص ۳۳۱؛ الکشاف، ج ۳، ص ۴۳۶؛ تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، ج ۶، ص ۲۳۳-۲۳۵؛ الأساس فی التفسیر، ج ۷، ص ۴۱۵-۴۱۸؛ التحریر و التنویر، ج ۲۰، ص ۱۲۰.

۱۷. مفاتیح الغیب، ج ۲۵، ص ۱۹-۲۰.

۱۸. جواهر الحسان، ج ۴، ص ۲۸۶؛ مفاتیح الغیب، ج ۲۵، ص ۱۸؛ تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، ج ۶، ص ۲۳۳؛ تفسیر الحدیث، ج ۳، ص ۳۴۶؛ المیزان، ج ۱۶، ص ۱۲۷.

۱۹. تفسیر الحدیث، ج ۳، ص ۳۴۷-۳۴۸.

در شرایطی دانسته که فشارها بر مسلمانان و پیامبر به نقطه اوج خود رسیده بود و مشرکان با تمام توان بر شرک و انکار پیام و حیانی پیامبر اصرار می‌ورزیدند؛ از این رو آیات مذکور زمانی که پیامبر در اندوه شدید از عدم پذیرش مشرکان بود نازل گردید تا پیامبرش و مؤمنان را تثبیت نموده و از حقانیت سخنشان مطمئن سازد. از این رو نزول وحی را به آنان یادآور شده که با وجود انتظار و باور آنان اتفاق افتاد و سپس به تحقق وعده‌های خداوند و برتری دین اسلام وعده داده است.^{۲۰}

سعید حوی آیات ۵۶ تا ۸۵ سوره قصص را یک واحد نزول دانسته که با هم نازل شده است:

﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ... إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾

سپس به مضمون مشترک این آیات اشاره کرده که در هر دو آیه مشتقات «هدی» به کار رفته و ضمن دعوت به هدایت، موانعی همچون ترس اخراج از مکه را - که برخی برای عدم پذیرش اسلام می‌آوردند - غیرقابل قبول دانسته است. سپس این آیات مشرکان را از عذاب آخرت بر حذر داشته و بار دیگر تصریح نموده که در قیامت تنها متقین به سلامت خواهند بود و سرکشان دنیا به عذاب مبتلا می‌گردند. بر همین اساس، مخاطبان خود را به اسلام، مجاهدت و عمل به فرامین الهی فراخوانده و دریافت پاداششان در قیامت را حتمی اعلام کرده است. سرانجام در آیه ۸۵ وعده یاری به پیامبر داده و قلب او را نسبت به پیام و حیانی اش تثبیت نموده است.^{۲۱}

چنان‌که از مجموع این اقوال هویدا است، مفسران باورمند به نزول آیات پایانی سوره قصص با هم بوده‌اند؛ به طوری که نزول آیه ۸۵ را بر اساس پیوندی محتوایی که با آیات هم‌جوار خود داشته، هم‌زمان با همین آیات که در سال‌های میانی مکه نازل شده و به موضوع معاد پرداخته، فرض کرده‌اند. این فرض به وضوح در برابر دیدگاهی است که آیه ۸۵ را فقره‌ای مستقل در نظر گرفته که در جحفه و پایان سال سیزدهم بعثت نازل شده است.

فارغ از اقوال مفسران، این پیوند معنایی به وضوح از ظواهر آیات ۵۶ تا ۸۸ سوره قصص نیز

۲۰. من وحی القرآن، ج ۱۷، ص ۳۵۱.

۲۱. الاساس فی التفسیر، ج ۷، ص ۴۱۱۵ - ۴۱۱۶.

مشخص است؛ چنان‌که پیش‌تر در تبیین سوره قصص گذشت، پس از داستان حضرت موسی، دومین مقطع سوره - که شامل آیات ۵۶-۷۵ است - به صحنه پردازای قیامت و زمانی که مشرکان مورد محاکمه و مجازات قرار می‌گیرند، پرداخته و قدرت قاهره خداوند در تحقق چنین روزی را با تکیه بر برخی قدرت‌نمایی‌های او در این دنیا، همچون تحقق روز و شب، یادآور شده است. سپس از آیه ۷۶-۸۳ داستان قارون را - که مصداقی بارز از منکران معاد بود - ذکر نموده که چگونه در حالی که ثروت و مکنت او برخی مؤمنان را سست کرده بود، به عذاب مبتلا کرد. آیات ۸۴ تا ۸۸ باز به وضوح به تحقق قیامت و نظام جزادهی خداوند در آن سرا پرداخته و سپس با یادآوری نعمت نزول قرآن پیامبرش را تثبیت کرده و او را از هرگونه سستی و تمایل به مشرکان بر حذر داشته است. در نهایت سوره قصص با یادآوری آن‌که همگان فناشدنی هستند و در محکمه الهی حاضر خواهند شد، به پایان رسیده است.

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ * إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ * وَمَا كُنْتَ تَرْجُوا أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ * وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنْزَلَتْ إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ * وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾

در نتیجه، پیوستگی معنایی آیه ۸۵ سوره قصص با دیگر آیات پیرامون آن - که همگی بر محور تحقق معاد شکل گرفته - شنونده این آیات را بدین سمت سوق می‌دهد که نه تنها مراد از «لرادک الی معاد» تأکید خداوند بر وقوع قیامت به پیامبرش به منظور تثبیت قلب اوست؛ بلکه بدون تردید این آیه نیز هماهنگ با سایر آیات سوره قصص در سال‌های میانی مکه نازل گردیده است.

۶-۱-۲. پیوند ارتباط معنایی «لرادک الی معاد» با قسمت دوم آیه ۸۵ سوره قصص

خداوند در آیه ۸۵ سوره قصص خود را با وصف کسی که قرآن را با وجود انتظار و باور پیامبر بر او نازل کرده، خوانده و به حضرتش وعده داده که بعد از این نیز او را به جایگاهش باز خواهد گردانید. سپس به رسولش فرمان داده تا به مشرکان بگوید: پروردگار من به کسانی که اهل هدایت هستند و به کسانی که در گمراهی آشکارا سر می‌کنند، آگاه و دانا است:

﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾

از عبارت «قُلْ رَبِّيَ أَعْلَمُ...» تا پایان آیه، چنان که از الفاظ صریح آن هویدا است، پیامبر مأمور شده تا با مشرکان اتمام حجت نماید. این صراحت به اندازه‌ای است که بسیاری از مفسران قاطعانه مخاطب قسمت دوم آیه را مشرکانی دانستند که انکار و فشار آنان پیامبر را موظف به انداز آنان با این الفاظ شدید اللحن کرده است.^{۲۲}

حال در صورتی که پیامبر در راه هجرت به مدینه در مکانی به نام جحفه این آیه را دریافت کرده باشد، دیگر با مشرکان رودرو نیست که بخواهد قسمت دوم آیه را به آنان ابلاغ نماید، بلکه در آستانه مواجهه با مردم مشتاق مدینه است که در نتیجه شایسته بوده، قسمت دوم این آیه خطاب به آنان نازل گردد.

اما قسمت دوم این آیه به وضوح خطاب به مشرکان نازل شده که نشان می‌دهد پیامبر وسط مجادله با مشرکان است نه در راه طرد آنان و حرکت به سوی مدینه؛ کما این که مشابه این عبارت در دیگر سوره‌های مکی همانند آیات ۱۱۷ سوره انعام، ۱۲۵ سوره نحل و ۷ سوره قلم نیز ذکر شده است. از این رو، با توجه به قسمت دوم آیه، معنای آیه ۸۵ سوره قصص چنین است که علی رغم انکار معاد از سوی مشرکان، خداوندی که در کمال ناباوری همگان قرآن را بر پیامبرش نازل نمود، او و منکران معاد را روز قیامت محشور نموده و در آن روز برای هدایت شدگان و کسانی که در گمراهی آشکار به سر می‌برند، حکم خواهد کرد.^{۲۳}

در نتیجه با توجه به آن که قطعاً این آیه شریفه قسمت اولش سال سیزدهم در راه جحفه و قسمت دومش چندین سال قبل از آن در مکه نازل نشده و هیچ کس نیز چنین ادعایی نکرده، باید در مستثنا بودن این آیه تشکیک کرده و تاریخ گذاری آن را به سال‌های میانی مکه رساند.

۳-۱-۱-۶. روایات تفسیری

بر حسب روایات تفسیری که در جدول پیشتر ارائه شد، یازده روایت از مجموع هیجده فقره، بازگشت به «معاد» را به بازگشت پیامبر به سرای آخرت معنا کردند. هر چند این روایات مکان نزول این آیه را معین نکردند، اما «لَرَادَكَ إِلَى مَعَادٍ» را به گونه‌ای معنا نمودند که با سیاق

۲۲. تفسیر مقاتل، ج ۳، ص ۳۵۹؛ جامع البیان، ج ۲۰، ص ۷۹-۸۱؛ المحرر الوجیز، ج ۴، ص ۳۰۳؛ انوار التنزیل، ج ۴، ص ۱۸۷؛ البحر المحیط، ج ۸، ص ۳۳۱؛ تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، ج ۶، ص ۲۳۵؛ الصافی، ج ۴، ص ۱۰۷؛ روح المعانی، ج ۱۰، ص ۳۳۴؛ المیزان، ج ۱۶، ص ۱۳۰؛ الاساس فی التفسیر، ج ۷، ص ۴۱۵؛ محاسن التأویل، ج ۷، ص ۵۴۱؛ التحریر و التنویر، ج ۲۰، ص ۱۲۱.

۲۳. تفسیر الحدیث، ج ۳، ص ۳۴۷.

دیگر آیات این سوره که درباره انکار سرسختانه قیامت توسط مشرکان است، همخوان شده است. بدین سان آیه ۸۵ سوره قصص نیز در امتداد آیات قبلی این سوره قرار گرفته که در سال‌های میانی مکه نازل شده است.

۶-۱-۲. نقد و بررسی

نخستین اشکال وارد بر این دیدگاه آن است که در وهله اول از شهرت کمتری نسبت به دیدگاه رقیب خود - که نزول این آیه را در جحفه دانسته و شأن نزول‌هایی را برای آن ذکر کرده - برخوردار است.

اما با وجود این تصور اولیه، چنان‌که پیش‌تر بیان شد، نه تنها مفسران متعددی دیدگاه بازگشت «معاد» به قیامت و بهشت را به عنوان نظریه مختار پذیرفتند، بسیاری نیز دیدگاه جمهور مفسران را بازگشت «معاد» به قیامت و بهشت معرفی کردند؛ چنان‌که ابوحنیفه و ثعالبی دیدگاه جمهور مفسران را بازگشت معاد به آخرت دانسته است.^{۲۴} ابن عطیه نیز جمهور تأویل‌گران را بازگشت معاد به آخرت توصیف کرده است.^{۲۵} حویزی در *نور الثقلین* نیز دیدگاه علی بن ابراهیم درباره معاد را چنین توصیف کرده است:

مفسران عامه معاد را به قیامت بازگرداندند و مفسران خاصه آن را به رجعت معنا نمودند.^{۲۶ ۲۷}

دومین اشکال این دیدگاه نیز به لوازم معنای «معاد» بازمی‌گردد. برخی معتقدند لفظ بازگشت «لرادک الی معاد» برای مکانی به کار می‌رود که فرد قبلاً در آن بوده و حال به آن بازگشته باشد؛ در حالی که پیامبر پیش‌تر در سرای آخرت نبوده که به آن بازگردد، لیکن در مکه سال‌ها زیسته و وعده به بازگشت به آن صحیح است.^{۲۸} آلوسی پس از مطرح کردن این اشکال خود به پاسخ آن پرداخته و چهار احتمال را برای انطباق معاد بر سرای آخرت به عنوان مکانی که پیامبر در آن سابقه حضور داشته، بیان کرده است.

۲۴. جواهر الحسان، ج ۴، ص ۲۸۶؛ البحر المحیط، ج ۸، ص ۳۳۱.

۲۵. المحرر الوجیز، ج ۴، ص ۳۰۳.

۲۶. نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۹۲.

۲۷. این سخن را در تفسیر قمی نیافتیم؛ از این رو از قول حویزی از قمی نقل نمودیم.

۲۸. روح المعانی، ج ۱۰، ص ۳۳۳؛ الفرقان، ج ۲۲، ص ۴۱۴-۴۱۵.

نخست، آن که پیامبر زمانی که در سلب حضرت آدم بوده در بهشت حضور داشته بدین جهت بازگشت او به بهشت معنادار است.

دوم، پیامبر استعداد و قابلیت حضور در بهشت را همواره داشته و همین قابلیت مانند سابقه برای او محسوب می شود. از این رو بازگشت به بهشت برای وی معنا می یابد؛ چنان که خداوند برای مشرکان می فرماید:

﴿ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ﴾^{۲۹}

در حالی که آنان نیز در جهنم حضور فیزیکی نداشتند، اما قابلیت حضور در آن را داشتند. سوم، آن که پیامبر زمان معراج به بهشت راه یافت؛ از این رو بازگشت او به بهشت در هنگام مرگ معنادار است. به نظر آلوسی این بهترین وجه معنایی است.^{۳۰} این عطیه نیز معاد را بازگشت گاه همگان دانسته است. از این رو، این اشکال که پیامبر پیشتر در آن حضور نداشته را بی اعتبار تلقی کرده است.^{۳۱}

۲-۶. نزول آیه در آستانه هجرت

دیدگاه دوم در حوزه تاریخ گذاری آیه ۸۵ سوره قصص، معاد را به مکه معنا کرده که پیامبر روزی به آن باز خواهد گشت. برخی مفسران به صراحت از نزول این آیه در جحفه - که مکانی در راه مدینه است - سخن گفته اند.^{۳۲} برخی تنها بر بازگشت معاد به مکه تأکید کردند؛ هر چند سخنی از مکان نزول این آیه نگفتند، اما به نظر می رسد با توجه به نزدیکی جحفه به مکه، با نزول آن در جحفه موافق بوده اند.^{۳۳} برخی مفسران نیز به طور کلی دیدگاه جمهور را بازگشت معاد به مکه اعلام کردند.^{۳۴}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۲۹. سوره صافات، آیه ۶۸.

۳۰. روح المعانی، ج ۱۰، ص ۳۳۳.

۳۱. المحرر الوجیز، ج ۴، ص ۳۰۳.

۳۲. تفسیر مقاتل، ج ۳، ص ۳۵۹؛ معانی القرآن، ج ۲، ص ۳۱۳؛ تفسیر غریب القرآن، ص ۲۸۶؛ روح المعانی، ج ۱۰، ص ۳۳۳؛ فی ظلال القرآن، ج ۵، ص ۲۷۱۴-۲۷۱۵؛ الفرقان، ج ۲۲، ص ۴۱۵-۴۱۶؛ تفسیر الکاشف، ج ۶، ص ۹۰؛ من وحی القرآن، ج ۱۷، ص ۳۵۴.

۳۳. مجمع البیان، ج ۷، ص ۴۲۰؛ المیزان، ج ۱۶، ص ۱۳۰-۱۳۱.

۳۴. التبیان، ج ۸، ص ۱۸۳؛ فتح التقدیر، ج ۴، ص ۲۱۷.

۶-۲-۱. قراین نزول آیه در آستانه هجرت

۶-۲-۱-۱. روایات اسباب نزول

افزون بر روایات تفسیری که نزول آیه ۸۵ را در جحفه معرفی نموده و روایت ابن عباس در این زمینه مورد استناد مفسران قرار گرفته، کتب اسباب نزول نیز زمان نزول این آیه را در جحفه توصیف کرده است. سبب نزول این آیه از ضحاک نقل شده که زمانی که پیامبر به جحفه رسید دلتنگ مکه شد، پس آیه ۸۵ سوره قصص نازل گردید.^{۳۵}

۶-۲-۱-۲. پیوند میان بازگشت به مکه با داستان پیروزی حضرت موسی

برخی مفسران «لرادک الی معاد» را به وعده بازگشت به مکه معنا کردند و سپس درصدد انطباق این وعده پیروزی با داستان پیروزی حضرت موسی در ابتدای این سوره برآمدند؛ چنان که علامه طباطبایی در این خصوص می نویسد:

دقت در سیاق آیات گواه آن است که آیه ۸۵ تصریحی است به آنچه که داستان مزبور در اول سوره به آن اشاره کرده است؛ زیرا خداوند در اول سوره داستان بنی اسرائیل و حضرت موسی علیه السلام را نقل کرد و در ضمن آن نعمت هایی که را به امت حضرت موسی داده بود تا از ذلت زندگی با فرعون به عزت زندگی با موسی کلیم الله برسند، بیان نمود. مجموع این موارد به دلالت التزامی به همه مؤمنین وعده داده که به زودی از فتنه ها و شدائد و عسرتی که گرفتارش هستند، نجات می یابند و دینشان را بر همه ادیان برتری می یابد.

بدین سان، همچون امت حضرت موسی بعد از آن که در مکه جایی نداشتند، در زمین مکتب خواهند یافت. آن گاه بعد از این داستان به ضرورت نزول کتاب آسمانی برای هدایت مردم اشاره کرده که باز همانند تورات موسی است که برای هدایت نازل گردید. علامه از این دو تشابه چنین نتیجه گرفته که مخاطب آماده شده تا زمانی که آیه ۸۵ سوره قصص نازل می شود، بفهمد که خداوند همچون حضرت موسی که پیروزش گردانید، به پیامبرش وعده فتح و پیروزی بر مکه را می دهد. پس در نتیجه معنای آیه ۸۵ این است: آن کسی که قرآن را بر تو واجب کرد تا بر مردم بخوانی و ابلاغ کنی و دستوراتش را به کاربندی به زودی تو را به آن محلی برمی گرداند که آن جا معادت شود؛ هم چنان که تورات را بر موسی نازل کرد و با نزول آن قدر و منزلت خودش و قومش را بالا برد. از دیگر سونیز معلوم است که رسول خدا صلی الله علیه و آله قبلاً در

۳۵. تسهیل الوصول، ص ۲۵۶؛ اسباب النزول (غازی عنایه)، ص ۳۰۱.

مکه بود، مکه‌ای که در آن همه گونه شدائد و فتنه‌ها را دید، آن گاه مهاجرت کرد و سپس بدان جا برگشت، در حالی که پیروز شده و دینش مستحکم گردیده است. علامه سپس ادامه آیه ۸۵ را که پیامبر مأمور شده به مشرکان بگوید: «قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» را همانند سخن حضرت موسی به فرعون دانسته که معجزات او را سحر خوانده و تکذیبش نمود. موسی کلیم الله نیز در پاسخ گفت: «رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ وَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ».

علامه سپس به آیه ۸۶ سوره قصص اشاره کرده که خداوند به پیامبرش یادآوری نموده که نزول قرآن نعمتی ویژه بر او بوده که انتظارش را نداشته است. از این روبه رسولش هشدار داده که از کفران نباشد. علامه این هشدار را شبیه جمله‌ای دانسته که حضرت موسی پس از کشتن ناخواسته آن فرد مصری خطاب به خداوند فرمود: که خداوند! به سبب نعمتی که به من دادی زمین پس یاور مجرمان نخواهم بود: «رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ».^{۳۶}

غیر از علامه طباطبایی - که تفصیلی‌ترین سخنان را درباره ارتباط میان وعده بازگشت به مکه با داستان حضرت موسی بیان نموده - صادقی تهرانی نیز این برداشت از آیه را - که مستلزم نزول آن در راه مدینه است - با داستان حضرت موسی و وعده خداوند به پیروزی او مرتبط دانستند.^{۳۷} آلوسی نیز ارتباط میان وعده بازگشت به مکه با داستان حضرت موسی را با عبارت قیل به اجمال بیان نموده است.^{۳۸}

۲-۲-۶. نقد و بررسی

در پاسخ به قرآینی که موافقان تاریخ‌گذاری مدنی آیه ۸۵ سوره قصص اقامه نمودند، توجه به چند نکته ضروری است:

نخست، درباره روایات تفسیری و اسباب نزول مطرح ذیل آیه ۸۵ سوره قصص تأملی دوباره باید نمود. درباره تعارض و چند دستگی روایات تفسیری - که همه آنان را بی اعتبار کرده - پیش تر سخن رفت؛ به ویژه آن که مهم‌ترین روایت تفسیری نزول این آیه در جحفه از ابن عباس است که همو در روایات متعدد دیگری معاد را به سرای آخرت معنا کرده است. در

۳۶. المیزان، ج ۱۶، ص ۱۲۹-۱۳۳.

۳۷. الفرقان، ج ۲۲، ص ۴۱۶.

۳۸. روح المعانی، ج ۱۰، ص ۳۳۳.

خصوص اسباب نزول نیز ابتدا به این نکته باید دقت نمود که جدا از روایات تفسیری نیست، بلکه همان روایاتی که از ضحاک و مجاهد و... در کتب تفسیری بیان شده، در کتب اسباب نزول نیز انعکاس یافته است.^{۳۹}

دومین نکته آن که طبرسی در مجمع البیان در ابتدای هر سوره آیات مستثنای آن را ذکر کرده، لیکن برای سوره قصص هیچ آیه مستثنایی ذکر نکرده و همه آن را مکی دانسته است؛^{۴۰} در حالی که اگر شأن نزول جحفه را معتبر می دانست، به نزول غیر مکی این آیه تصریح می نمود.

سوم، آن که هیچ سبب نزولی در اسباب النزول واحدی - که یکی از قدیمی ترین و معتبرترین منابع سبب نزول است - ذکر نشده، بلکه نزول این آیه در جحفه در کتب سبب نزول معاصر بیان شده است؛^{۴۱} چنان که معاصران نیز که سعی در برگزیدن اسباب نزول صحیح داشتند، ذیل آیه ۸۵ سوره قصص هیچ سبب نزولی ذکر نکردند.^{۴۲}

چهارم، آن که افزون بر روایات تفسیری که در منابع شیعی و سنی درباره مرجع معاد ذکر گردیده که شرح آن گذشت، در تفاسیر روایی شیعه روایات متعددی نقل شده که «معاد» در آیه ۸۵ سوره قصص به معنای رجعت بوده و خداوند وعده رجعت به دنیا را به رسولش داده است.^{۴۳}

پنجم، آن که بر حسب جدول روایات تفسیری ذیل این آیه که ارائه گردیده، همه اقوالی که «معاد» را به مکه بازگردانده و برخی بر نزول آن در جحفه تصریح کرده، روایاتی موقوف از اجتهاد صحابه ای همچون ابن عباس که در آن برهه حضور نداشته و تابعینی است که هیچ فقره از وحی را درک نکردند. این در حالی است که در میان این روایات تفسیری روایتی از حضرت علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که مراد از «معاد» بهشت است. از این رونه تنها پذیرش اجتهادات تابعین و صحابه در مقابل روایت علوی شایسته نیست، بلکه انقطاع آیه ۸۵ از سیاق خود با استناد به چند روایت موقوفی که متضادهای زیادی نیز دارد به مراتب امر غیر قابل دفاع تری خواهد بود.

۳۹. رک: تسهیل الوصول، ص ۲۵۶؛ اسباب النزول (غازی عنایه)، ص ۳۰۱.

۴۰. مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۷۳.

۴۱. رک: اسباب النزول (واحدی)، ص ۳۴۷-۳۴۹.

۴۲. رک: تسهیل الوصول، ص ۱۷۵-۱۷۶.

۴۳. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۴۷؛ البرهان، ج ۴، ص ۲۹۱-۲۹۳؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۴۴.

دومین نقد مطرح بر تاریخ گذاری غیرمکی آیه ۸۵ سوره قصص، به عدم ارتباط میان صدر و ذیل آیه بازمی گردد؛ چنان که پیش تر گفته شد در صورتی که این آیه در جحفه نازل شده باشد، پیامبر دیگر مخاطبان مشرکی نداشته تا ادامه آیه «قل ربی اعلم...» را بر آنان ابلاغ نماید. در نتیجه قسمت دوم آیه عبث و بدون ابلاغ باقی مانده است.

سومین نقد بر این دیدگاه نیز به عدم انطباق وعده بازگشت به مکه با سیاق کلی آیات پایانی سوره قصص بازمی گردد؛ چنان که پیش تر درباره سیاق به تفصیل سخن رفت، آیات پایانی سوره قصص به موضوع انکار معاد از سوی مشرکان اختصاص یافته است. ابتدا داستان قارون مطرح شده که به مال دنیا اتکا داشت و آخرت را نفی می نمود، اما خداوند در کمال ناباوری وی را به عذابی بی سابقه مبتلا ساخت. سپس بروقوع قیامت و جزای اعمال تأکید کرده و خطاب به پیامبرش وعده داده که وی را به جایگاه اصلی اش باز خواهد گرداند و به پیامبر دستور داده تا به مشرکان مکه بگوید که جزای گمراهی خود را در آخرت دریافت خواهند کرد. در آیات بعدی نیز بر موضوع معاد تأکید گردیده و پیامبر از هرگونه تأثیر پذیری از مشرکان منع شده است. آخرین آیه سوره نیز با تصریح بر آن که بقا مختص ذات پروردگار است، خاتمه یافته است. در نتیجه سیاق این آیات به وضوح درباره معاد است و بسیار منطقی است که خداوند برای تأکید و تصریح به معاد به پیامبرش وعده دهد که همان گونه که با وجود باور دیگران قرآن را بروی نازل نمود، باز نیز علی رغم باور آنان قادر است وعده خود را عملی ساخته و قیامت را محقق سازد؛ در حالی که اگر معاد به معنای وعده به بازگشت به مکه تلقی شود، این پیوستگی سیاق از بین خواهد رفت. سیاق آیات حاکی از انکار معاد از سوی مشرکان است، اما خبری از تهدید آنان به بیرون راندن پیامبر یا تصمیم حضرتش به کوچ اجباری نیست که خداوند وعده به بازگشت به مکه را به او دهد. بلکه سخن از انکار معاد است و خداوند تصریح می نماید که پیامبرش را در قیامت برمی انگیزاند؛ چنان که در ادامه آیه بر جزای هدایت یافتگان و گمراهان در این روز تأکید می نماید.

چهارمین نقد بر این دیدگاه را علامه فضل الله خطاب به علامه طباطبایی - که معاد را به مکه بازگردانده و با داستان حضرت موسی انطباق داده - مطرح نموده است. وی این نکته را خاطر نشان ساخته که در صورت نزول آیه شریفه در جحفه، این آیه از دیگر آیات سوره قصص جدا شده و فقره ای مستقل محسوب می شود که دیگر در سیاق آنان نیست. در نتیجه، تطبیق مضمون آن با دیگر آیاتی که سال ها پیش تر نازل شده و به داستان حضرت موسی اشاره

نموده، امری منطقی نخواهد بود.^{۴۴}

پنجمین نقد به کیفیت نزول سوره قصص بازمی‌گردد. در صورتی که آیه ۸۵ این سوره در جحفه نازل شده و دیگر آیات آن پیش‌تر در مکه نازل گردیده باشد، این سوره با فاصله چند ساله و به طور پراکنده نازل شده است. در این صورت، آیات پایانی سوره را باید بدون آیه ۸۵ معنا کرد؛ در حالی که آیه ۸۶ سوره قصص ﴿وَمَا كُنْتُمْ تَرْجُوا أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكُمُ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكُمْ فَلَا تَكُونُوا ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ﴾ به نوعی عبارت‌پردازی دوباره عبارت ابتدایی آیه ۸۵ است. ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكُمُ الْقُرْآنَ لَرَادِكُمْ إِلَيْهِمْ...﴾؛ چنان‌که مفسران در تفسیر آیه ۸۶ سوره قصص چنین می‌نویسند:

وما کنتم ترجوا... بدین معناست که تو را به سوی معاد باز خواهیم گرداند؛ چنان‌که قرآن را بر تو نازل نمودیم و به آن امید نداشتی.^{۴۵}

ثعلبی نیز دیدگاه اهل معنا را تقدم و تأخر در این دو آیه توصیف کرده و اصل در آیات ۸۵-۸۶ را چنین بیان نموده است:

﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكُمُ الْقُرْآنَ وَمَا كُنْتُمْ تَرْجَوْنَ يَلْقَىٰ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ لِرَادِكُمْ إِلَىٰ مَعَادٍ، فَلَا تَكُونُوا ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ﴾.^{۴۶}

ابن عاشور هم «واو» در ابتدای آیه ۸۶ را واو عطف به عبارت ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكُمُ الْقُرْآنَ...﴾ دانسته است.^{۴۷}

۶-۳. نزول آیه در سال‌های میانی مکه همراه با پیشگویی درباره هجرت

سومین دیدگاه در تاریخ‌گذاری آیه ۸۵ سوره قصص آن است که «معاد» در عبارت «لرآدک الی معاد» به مکه بازمی‌گردد، لیکن نزول آیه نیز در همان مکه بوده است.^{۴۸} از این رو، این آیه در زمره آیات اعجاز غیبی است که در اوج فشار و آزار مشرکان به پیامبر خبر می‌دهد که از مکه

۴۴. من وحی القرآن، ج ۱۷، ص ۳۵۳-۳۵۴.

۴۵. تفسیر مقاتل، ج ۳، ص ۳۵۹؛ انوار التنزیل، ج ۴، ص ۱۸۷؛ البحر المحیط، ج ۸، ص ۳۳۱؛ روح المعانی، ج ۱۰،

ص ۳۳۴؛ المیزان، ج ۱۶، ص ۱۳۲.

۴۶. الکشف و البیان، ج ۷، ص ۲۶۷.

۴۷. التحریر و التنویر، ج ۲۰، ص ۱۲۲.

۴۸. الکشاف، ج ۳، ص ۴۳۶؛ مفاتیح الغیب، ج ۲۵، ص ۲۰؛ تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، ج ۶، ص ۲۳۴؛ التحریر و

التنویر، ج ۲۰، ص ۱۲۰.

هجرت خواهد کرد و روزی دوباره به آن بازخواهدگشت.^{۴۹}

۶-۳-۱. نقد و بررسی

هرچند این دیدگاه همچون نظریه دوم زمان نزول این آیه را به اوایل سال ۱۴ بعثت و در راه مدینه نبرده و به تبع آن باورمند به مستثنا شدن این آیه و نزول پراکنده سوره قصص نشده، اما در عین حال نقطه ضعف‌هایی نیز در آن همچنان باقی مانده است. از جمله آن که سیاق آیات پایانی سوره قصص درباره انکار معاد بوده و در صورتی که این آیه نیز همزمان با آن‌ها نازل شده باشد، طبیعی است که خداوند بروقوع آخرت برای پیامبرش تأکید نموده باشد. لیکن با توجه به آن که این دیدگاه همچنان مرجع معاد را مکه دانسته، در پیوند معنایی میان قسمت اول و دوم همین آیه از یک سو و ارتباط سیاقی میان این آیه و آیات همجوارش ناقص عمل کرده است.

دومین نقطه ضعف این دیدگاه آن است که از یک سو به روایات تفسیری برای بازگرداندن «معاد» به مکه تکیه کرده که برخی از آن‌ها درباره زمان نزول آیه ساکت بوده و برخی به صراحت نزول آن را در جحفه خوانده؛ اما از سوی دیگر از همین روایات پیروی کاملی نکرده است، بلکه برخی مفسران بی دلیل تصریح این قسم از روایات تفسیری مبنی بر نزول آیه در جحفه را نادیده گرفته و بنا بر مکی بودن کل سوره حکم به مکی بودن این آیه نیز کرده‌اند. با این همه، افزون بر آن که اعجاز غیبی بودن این آیه و تاریخ‌گذاری مکی آن در عین بازگشت «معاد» به مکه بدون هیچ دلیلی ادعا شده، پذیرش روایات تفسیری بازگشت «معاد» به مکه نیز در واقع جدا ساختن آیه وحی از سیاق آیات همجوارش با تکیه بر اجتهادات صحابه و تابعین است. اجتهاد از سوی کسانی که هیچ یک شاهد نزول وحی نبودند و دیدگاه خود را بدون هیچ انتسابی به پیامبر، به شکل موقوف نقل کردند. جالب آن که از برخی از همین صحابه و تابعین نیز با اسناد دیگری اقوال کاملاً متعارضی در خصوص معنای «معاد» ذکر شده است. در نتیجه چند اجتهاد متناقض از مسلمانان متقدم، دلیل درخوری برای این همه تلاش و تکلف به منظور اثبات تصریح آیه ۸۵ سوره قصص بر بازگشت پیامبر به مکه نیست.

۴۹. تفسیر المراغی، ج ۲۰، ص ۱۰۴-۱۰۵.

۷. نتیجه‌گیری

سوره قصص سوره‌ای منسجم در بابت سورمکی است؛ لیکن احتمالات مختلف در خصوص تاریخ‌گذاری آیه ۸۵ آن، نزول پیوسته این سوره را دچار خدشه کرده است. نخستین دیدگاه تاریخ‌گذاری این آیه همراه با دیگر فقرات سوره قصص در سال‌های میانی مکه است. از قسمت دوم این آیه که آشکارا خطاب به مشرکان نازل گردیده، سیاق آیات قبل و بعد که درباره معاد سخن گفته و به وضوح به این آیه پیوسته شده و روایات تفسیری متعدد به انضمام روایت حضرت علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله که مراد از «لرادک الی معاد» را وعده حتمی به تحقق قیامت دانسته‌اند، از قرائن مؤید این دیدگاه نام برد.

دومین دیدگاه در تاریخ‌گذاری این آیه، نزول آن را به جحفه که مکانی در راه مدینه است برده و زمان نزول آن را به آستانه هجرت و زمانی که پیامبر برای ترک مکه دلتنگ بود، رسانده است. لیکن بی‌معنایی قسمت دوم آیه که خطاب به مشرکان است؛ قطع ارتباط این آیه با دیگر آیات این بخش از سوره که درباره وقوع معاد است، عدم وجود اسباب نزول قابل اعتماد پیرامون نزول این آیه در جحفه و موقوف و متعارض بودن روایات تفسیری صحابه و تابعین در خصوص بازگشت «معاد» به مکه و نزول این آیه در راه مدینه، همگی عوامل ضعف این دیدگاه در تاریخ‌گذاری است.

در نهایت، هرچند هیچ قرینه درخور و قابل اعتمادی وجود ندارد، تنها می‌توان احتمال داد، پیامبر صلی الله علیه و آله در آستانه هجرت این آیه را تلاوت کرده‌اند که این برداشت به معنای خوانش دوباره آیه توسط پیامبر و نه نزول آن است.

کتابنامه

- أنوار التنزیل وأسرار التأویل، عبدالله بن عمر بیضاوی، تصحیح محمد عبد الرحمن المرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
- احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ش، سوم.
- الاساس فی التفسیر، سعید حوی، قاهره، دار السلام، ۱۴۲۴ق، ششم.
- أسباب النزول القرآنی، غازی عنایة، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۱ق.
- اسباب نزول القرآن، علی بن احمد واحدی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.
- البحر المحیط فی التفسیر، محمد بن یوسف ابو حیان اندلسی، تصحیح صدقی محمد جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ق.

- بحرالعلوم، نصر بن محمد سمرقندی، بی نا، بی جا، بی تا.
- البرهان فی تفسیر القرآن، هاشم بن سلیمان بحرانی، قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعثه - قم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
- التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن طوسی، با مقدمه شیخ آغا بزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- التحریر و التنویر، محمد بن طاهر بن عاشور، بیروت، مؤسسه التاریخ، بی تا.
- تسهیل الوصول إلى معرفة أسباب النزول، خالد عبد الرحمن العکک، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۲۴ق، سوم.
- التفسیر الحدیث، محمد عزت دروزه، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۳ق، دوم.
- تفسیر القرآن العظیم، اسماعیل بن عمرو ابن کثیر دمشقی، تصحیح محمد حسین شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ق.
- تفسیر القرآن العظیم، عبد الرحمن بن محمد ابن ابی حاتم، تصحیح اسعد محمد طیب، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ق، سوم.
- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، تصحیح طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتب، ۱۳۶۳ش، سوم.
- تفسیر الکاشف، مغنیه، محمد جواد، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۲۴ق.
- تفسیر المراغی، مراغی، احمد بن مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- تفسیر مقاتل بن سلیمان، مقاتل بن سلیمان بلخی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
- تفسیر من وحی القرآن، سید محمد حسین فضل الله، بیروت، دار الملائک للطباعة والنشر، ۱۴۱۹ق، دوم.
- جامع البیان فی تفسیر القرآن، محمد بن جریر طبری، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
- جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، عبد الرحمن بن محمد ثعالبی، تصحیح شیخ محمد علی معوض و شیخ عادل احمد عبد الموجود، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
- الدر المنثور فی تفسیر المأثور، جلال الدین سیوطی، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، سید محمود آلوسی، تصحیح علی عبدالباری عطی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

- الصافی، ملا محسن فیض کاشانی، تهران، انتشارات صدر، ۱۴۱۵ق.
- الصحیح المسند من اسباب النزول، مقل بن هادی ابی عبد الرحمن، صنعاء، مكتبة الصنعاء الاثرية، ۱۴۲۵ق.
- غریب القرآن، عبدالله بن مسلم ابن قتیبہ، بیروت، دار و مكتبة الهلال، بی تا.
- فتح القدير، محمد بن علی شوکانی، دمشق، بیروت، دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب، ۱۴۱۴ق.
- الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، محمد صادقی تهرانی، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش، دوم.
- فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت- قاهره، دار الشروق، ۱۴۱۲ق، هفدهم.
- الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود زمخشری، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ق، سوم.
- الکشف والبیان عن تفسیر القرآن، احمد بن ابراهیم ثعلبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، تصحیح محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش، سوم.
- محاسن التأویل، محمد جمال الدین قاسمی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
- المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، عبدالحق بن غالب ابن عطیة اندلسی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
- معانی القرآن، فراء ابوزکریا یحیی بن زیاد، تصحیح احمد یوسف نجاتی، محمد علی نجار و عبد الفتاح اسماعیل شلب، مصر، دارالمصریه للتألیف والترجمه، ۱۹۸۰ق.
- مفاتیح الاسرار ومصابیح الابرار، محمد بن عبد الکریم شهرستانی، تصحیح پرویز اذکائی، تهران، مرکز انتشار نسخ خطی، ۱۳۶۸ش.
- مفاتیح الغیب، محمد بن عمر فخر رازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق، سوم.
- المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبائی، سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش، پنجم.
- نور الثقلین، عبد علی بن جمعه عروسی حویزی، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق، چهارم.